



حذف قشربندی اجتماعی در مدینه توسط پیامبر(ص)

بر اساس الگوی توسعه اسلامی

مرتضی اکبری^۱، ظریفه کاظمی^۲، فریده مروتی^۳

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۱/۲۵

صص: ۳۰-۷

شاپا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پورتال جامع علوم انسانی
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.2.13.3

چکیده

پذیرش اسلام از سوی اهالی مدینه و دعوت پیامبر(ص) به این شهر سرآغاز تحولات عمده‌ای در تاریخ اسلام و رونق دین اسلام گردید. پیامبر(ص) تلاش کرد تا نابرابری‌هایی که مسلمانان در مکه شاهد بودند، در مدینه وجود نداشته باشد و طبقه‌بندی جامعه به اشراف و افراد بی‌درآمد را از بین ببرد. هدف از این پژوهش آن است که حذف قشربندی جامعه مدینه در زمان حضرت محمد (ص)، به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شهر مدینه در آستانه ورود پیامبر (ص) با اختلافات قبیله‌ای مواجه بود، به همین دلیل ساکنان این شهر برای نجات از بحران پیش آمده به پیامبر (ص) روی آوردند، آنها ضمن پذیرش اسلام از پیامبر برای ورود به این شهر دعوت کردند که آن حضرت، پذیرفت. ورود پیامبر به شهر مدینه سبب تشکیل حکومت اسلامی، آغاز تبلیغات گسترده دین اسلام و رونق آن شد. پیامبر تلاش کرد با حفظ برابری میان مسلمانان، اتحاد را در میان اقشار مختلف جامعه مدینه که نمادی از الگوی جامعه اسلامی بود، برقرار کند. ساخت مسجد که از آن به عنوان اقدامی مذهبی و فرهنگی می‌توان یاد کرد، سبب تحولات عمده‌ای در جامعه مدینه و حکومت اسلامی شد. مسجد تبدیل به مکانی عبادی-سیاسی گردید و مرکزی برای اتحاد مسلمانان فارغ از هرگونه طبقه‌بندی اجتماعی شد. موارد ذکر شده، به توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی کمک کرد که همانا الگویی اسلامی برای حکمرانی اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر(ص)، اسلام، مدینه، مهاجر، انصار.

۱. مقدمه و طرح مسئله

ظهور اسلام در سال ۶۱۰ میلادی در مکه باعث آشنایی مردم مکه با این دین نو گردید. اسلام در مکه سیزده سال توسط پیامبر (ص) تبلیغ شد، اما به دلیل فشارهای زیاد مشرکان و طبقه اشراف مکه چندان گسترش نیافت. با آنکه پیامبر (ص) در سال‌های پنجم و هفتم هجری گروه‌هایی از مسلمانان را به حبشه اعزام کرد، ولی در گسترش اسلام توفیق چندانی حاصل نشد. آن حضرت و مسلمانان پس از عدم موفقیت مشرکان در بازگرداندن مهاجرین، به شدت در محاصره اقتصادی و تبلیغ مذهبی قرار گرفتند. مسلمانان سه سال در شعب ابوطالب در محاصره بودند، اما در سال دهم هجری اوضاع به نفع پیامبر (ص) و مسلمانان تغییر کرد و از محاصره خارج شدند. پس از این سه سال، حضرت محمد(ص) به تغییر الگوی تبلیغ و به تغییر استراتژی تبلیغاتی پرداخت و در صدد برآمد دین اسلام را در خارج از مکه تبلیغ کند و همچنین با مسافران مکه تماس حاصل نماید تا بتواند اسلام را از بن‌بست خارج کند. در راستای چنین تصمیمی آن حضرت به طائف مسافرت کرد، ولی چون این قوم با قریش هم‌پیمان بودند مانع تبلیغ پیامبر شدند و آن حضرت به مکه بازگشت و نتیجه‌ای از این مسافرت حاصل نشد. در ادامه تغییر الگوی تبلیغ، پیامبر (ص) در سال‌های دهم تا سیزدهم بعثت با برخی از مردم یثرب ملاقات کرد و در سایه همین ملاقات‌ها، اسلام را به آن شهر وارد کرد. سپس با درخواست مردم اوس و خزرج از اهالی یثرب، مسلمانان و پیامبر(ص) به آن شهر مهاجرت کردند. از آن به بعد، یثرب پایتخت اسلام با نام جدید مدینه گردید و حاکم آن حضرت محمد(ص) بود. پیامبر(ص) در سال هفتم هجری با نامه نگاری به سران کشورهای آن زمان مانند ایران، روم و مصر اسلام را یک دین جهانی نمود. اگرچه دین اسلام در مکه ظهور کرد؛ اما در مدینه رشد یافت، بدین صورت مدینه اهمیت تاریخی خود را حفظ کرد و بجاست که این شهر را نخستین شهر اسلامی دانست. حضور پیامبر(ص) و مهاجرین که با وی به مدینه آمدند در تحولات این شهر نقش مهمی داشت. با ورود حضرت محمد(ص) به شهر مدینه، این شهر احیاء و رونق تازه‌ای یافت. پیامبر(ص) به لحاظ اجتماعی دست به اقداماتی نظیر ساخت مسجد، اسکان مهاجران مکه و اتحاد و پیمان برابری و برادری میان مهاجران و اهالی مدینه که حامیان پیامبر بودند و از آن پس به انصار معروف شدند، بست. همچنین آن حضرت با انعقاد پیمان نامه‌هایی با یهودیان و سایر قبایل و طوایف مدینه حاکمیت خدا و خودش بر مدینه را بدست گرفت و باعث وحدت سیاسی در این شهر شد. هدف پیامبر(ص)

با این اقدامات، تشکیل جامعه جدید بدون قشربندی گذشته بود که در آن اصل برابری حرف اول را می‌زد. این جامعه جدید در مدینه یک الگویی جدید برای حاکمیت حکمرانی اسلامی در جهان گردید. ایجاد جامعه اسلامی در مدینه، به عنوان نمونه‌ای کامل و جامع از الگوی توسعه اسلامی در ادوار مختلف تاریخی همواره مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش کوشش می‌شود تا الگوی توسعه اسلامی با حذف قشربندی اجتماعی در مدینه توسط پیامبر(ص) بررسی شود تا الگویی شود برای گسترش اسلام و حکمرانی اسلامی. اساس پژوهش بر طرح این پرسش قرار دارد که پیامبر(ص) چه اقداماتی در زمینه حذف قشربندی اجتماعی در مدینه در راستای الگوی توسعه اسلامی انجام داد؟

۳. پیشینه پژوهش

درباره عنوان پژوهش «بررسی الگوی توسعه اسلامی با حذف قشربندی اجتماعی در مدینه توسط پیامبر(ص)» تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. قائدان (۱۳۹۸)، در مقاله خود به نام «مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ساختار شهری مدینه در عصر پیامبر(ص)»، به ساخت و ساز شهری و اجزاء آن نظیر بازار، خندق و مسجد پرداخته است. ستاری ساربانقلی و ذبیحی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم(ص) در شهرمدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی»، به بررسی مدیریت شهری در مدینه و زیرمجموعه آن پرداخته‌اند. جان‌احمدی و درزی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای به نام «سازوکارهای اجتماعی پیامبر(ص) در ایجاد تحول فرهنگی مدینه»، اقدامات فرهنگی پیامبر(ص) را در مدینه مورد بررسی قرار داده‌اند. عطایی همدانی، حمزه‌نژاد و نقره‌کار (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی و الگوشناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه (مقدمه‌ای برای دستیابی به اصول مکان‌یابی مسجد در شهر اسلامی)»، به ساخت مساجد در مدینه پرداخته‌اند. تقوی (۱۳۹۵)، در مقاله «تفاوت قشربندی اجتماعی در مناطق شمالی و جنوبی جزیره العرب و منطقه حجاز در آستانه

ظهور اسلام»، ابعاد اجتماعی نظام قبیله‌ای در حجاز را مورد بررسی قرار داده است. ربانی و گنجی (۱۳۸۴)، «تحلیلی بر قشربندی اجتماعی در ادیان»، به قشربندی ادیان پرداخته است. باتوجه به مواردی که برشمرده شد، آنچه به عنوان مؤلفه‌های اجتماعی جامعه جدید مدینه دانسته می‌شود، نظیر برابری افراد و مسجد که از جنبه‌های مختلف سیاسی، عبادی و اجتماعی دارای اهمیت می‌باشد، پرداخته شده‌اند؛ اما آنچه را که مقاله پیش‌رو متفاوت می‌کند، تلاش نگارندگان برای بیان اقدامات پیامبر در جهت الگو اسلامی و توسعه آن در جامعه مدینه و حذف قشربندی آن از زمان ورود پیامبر (ص) و مهاجرین و نقش آنها در تحول مدینه می‌باشد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، در مرحله گردآوری اطلاعات با اتکاء به منابع تاریخی و منابع تحقیقاتی تبیین و به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای پرسش‌های ارائه شده، انجام می‌شود. مراحل انجام کار عبارت‌اند از: شناسایی منابع و مآخذ، تهیه طرح اولیه، چارچوب کلی تحقیق، مطالعه و فیش‌برداری از منابع، دسته‌بندی و جرح و تعدیل فیش‌ها، ویرایش و تکمیل چارچوب تحقیق، تدوین تحقیق.

۵. چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش پیش‌رو شامل تعاریفی می‌شود که به آنها پرداخته می‌شود.

الف) الگو

در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت که الگو نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۶۵). از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگو وسیله، معیار و میزانی است برای اینکه کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت (میلاد امیرالمؤمنین، ۳ شهریور ۱۳۸۱) به سخن دیگر، الگو چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می‌گیرد. الگو نقشه راه است (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های

راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹). با توجه به این مهم می‌توان الگو را مجموعه‌ای نظام‌مند و منسجم از اصول و قوانین دانست که اساس و پایه‌ای است که مورد استفاده برای موضوعات آینده می‌شود

ب) توسعه

واژه توسعه از نظر لغوی در زبان انگلیسی به معنی بسط یافتن، تکامل و پیشرفت می‌باشد. برخی توسعه را با معنای گوناگونی رشد، رشد با ثبات، رشد همراه با تعادل در الگوی توزیع، رشد به همراه تعادل اشتغال و زندگی دانسته‌اند. توسعه در نگاه جامعه‌شناختی رشد هماهنگ و همبسته در همه ابعاد مادی، روانی و معنوی است و مستلزم آن است که همه ابعاد مادی حیات به صورتی هماهنگ با یکدیگر شکوفا شوند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۹۲). برخی نیز توسعه را به معنای فرایند انتقالی جامعه از یک دوران تاریخی به دوران تاریخی دیگر دانسته‌اند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۹-۸۳).

ج) قشربندی اجتماعی

قشربندی اجتماعی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است که با بررسی لایه‌های مختلف اجتماعی برابری یا نابرابری، آنها را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد (پیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۹). قشربندی درباره سلسله مراتب روابط اجتماعی بحث می‌کند و یک اصطلاح عام است که از ساختارهای نظام‌مند نابرابری اجتماعی سخن می‌گوید. از نظر کرامپتون قشربندی پیامد گسترده وسیعی از عواملی نظیر میزان شهرت و اعتبار اجتماعی، جنسیت، سن، قومیت و نژاد، ثروت و وابستگی‌های مذهبی است و مفهوم طبقه، اغلب برای توصیف نابرابری اقتصادی به کار می‌رود (Crompton, 2008: 8). قشربندی پدیده‌ای فراگیر در جوامع مختلف است، زیرا افراد جامعه از نظر میزان برخورداری از موهبت‌ها، متفاوت از یکدیگرند. قشربندی اجتماعی، شبکه‌ای از لایه‌بندی‌های اجتماعی است که بر اساس مؤلفه‌های قدرت، ثروت و منزلت شکل گرفته است (تقوی، ۱۳۹۵: ۵۴). براساس آنچه گفته شد؛ قشر اجتماعی شامل مجموعه یا گروهی از افراد است که در مرحله قشربندی در یک سطح یا طبقه اجتماعی یکسان و هماهنگ قرار می‌گیرند.

در اسلام رنگ، خون، نژاد، قومیت، حرفه و وظیفه‌ای خاص، ملاک برتری و تفوق نیست بلکه عوامل دیگری زمینه‌ساز امتیاز فردی بر فردی دیگر یا طبقه‌ای بر طبقه دیگر را به وجود می‌آورند، هرچند که این عوامل در اسلام موجب امتیاز و برتری در نزد خداوند و در مقام واقع و نفس‌الامر و در جهان آخرت می‌شوند، در دنیا نیز می‌توانند موجب اعطای مسئولیت‌های خطیرتر گردند و مستلزم هیچ‌گونه برخورداری و امتیاز طبقاتی و اقتصادی و ... نیستند (ربانی و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). اقداماتی که پیامبر(ص) در مدینه انجام داد، الگویی مناسب و مطلوب در جهت پیشرفت و توسعه اسلامی می‌باشد. حضرت محمد(ص) در تلاش بود تا میان مسلمانان اصل برابری و مساوات را در همه جوانب رعایت کند و به دیگران آن را بیاموزد و این عمل الگوی مناسب، سازنده و کارآمد برای عموم مسلمانان باشد. پیامبر (ص) با اندیشه الگوی حاکمیت اسلامی به وحدت سیاسی و دینی در مدینه و سپس در شبه جزیره عربستان پرداخت.

۶. بررسی اجمالی شهر یثرب از آغاز تا ورود اسلام

یثرب در سرزمین حجاز و در ۴۰۰ کیلومتری شمال مکه قرار دارد. از نظر پستی بلندی‌های زمین، شهر یثرب توسط چند کوه محاصره شده است از شمال به «کوه احد» که مشرف بر نخلستان‌ها و مزارع و چاه‌های آب فراوان است، از جنوب به «کوه غیر» و «کوه جماوات» در غرب آن قرار دارد. مهم‌ترین نکته در جغرافیای داخلی مدینه این است که شهر در میان دو رشته سنگلاخ واقع شده که یکی در شرق با نام «حرّه واقم» و دیگری در غرب با نام «حره وبره» است. در قسمت شمالی آن، حدفاصل کوه احد در شمال غرب و کوه سلع در غرب، فضای نسبتاً بازی وجود دارد که عمده‌تاً زمین‌های کشت و نخلستان بوده و هست و پیش از اسلام به‌عنوان یک شهر متمرکز شناخته نمی‌شد. این شهر برخلاف مکه از کم آبی رنج نمی‌برد، پس از طائف، مطلوب‌ترین آب و هوا و مناسب‌ترین زمین را برای کشاورزی داشت. اراضی زراعی آن در جنوب شهر، به‌ویژه در منطقه قبا واقع بود و بیشتر آن را باغ‌ها و نخلستان‌ها فرا گرفته بودند (مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۴۱۵؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۷۵؛ ادریسی، ۱۴۰۹ ق: ۱/ ۴۳؛ اصلانی، ۱۳۸۳: ۵۸). نزدیک دروازه شهر آب انبارهایی گود ساخته شده بود که آب کاریزها بدان‌ها می‌ریخت

(مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۱۱۵). در برخی از منابع تنها از بخش مرکزی این قسمت به عنوان مدینه یاد می‌شود (الخیاط، ۱۳۹۰: ۲۵۵).

بانی شهر یثرب، یثرب بن مهلائیل از عمالقه است و به نام او این شهر خوانده می‌شد، بنی اسرائیل یثرب را مانند دیگر شهرهایی که در سرزمین حجاز گرفتند، تصرف کردند. سپس خاندان قیله از قبیله غسان با ایشان مجاور شدند و خاندان مزبور بر بنی اسرائیل غلبه یافتند و یثرب و دژهای آن را از ایشان باز گرفتند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۰۴). ططوس بن اسفیانوس رومی در یکی از دو باری که بیت المقدس را ویران کرد و بنی اسرائیل ناگزیر پراکنده شدند، قریظه و نضیر که از نژاد هارون بن عمران برادر موسی بن عمران بودند، در یثرب اقامت کردند. اوس و خزرج، نیز از هنگامی که سیل عرم رخ داد، به آنجا آمده بودند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۳۹). تعداد افراد قبیله خزرج بیشتر از اوس بود (بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۷۱). آن دو قبیله در یثرب و حوالی آن مستقر شدند و قلعه‌هایی نظیر مانند خیبر و قریظه و وادی القری را بنا کردند (طبری، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۵۵؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۶۳؛ و نیز ر.ک: بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۷). عده‌ای نیز در روستاها در کنار روستایی‌ها مستقر شدند؛ اما آنها گوسفند و حشمتی نداشتند؛ زیرا مدینه جایی که دارای مراتع باشد، نبود. نخل و زمین کشاورزی هم نداشتند مگر مزارعی که با کوشش فراوان از موات آبادان ساخته بودند و همه اموال از آن یهود بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۳۴).

مادر اوس و خزرج، قیله، دختر کاهل بن عذره بن سعد بود؛ از این رو آن دو را پسران قیله می‌خواندند. اوس و خزرج، دو پسر حارثه، با همراهان و خویشان خود در آن شهر ماندند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶/ ۲۲۴-۲۲۵). یثرب از محلات جدا از هم و نسبتاً مستقل تشکیل شده بود. برخی مدینه را به بیش از ۹ روستای مجزا تفکیک می‌نمایند. این روستاها عبارتند از: خیبر، فدک، ینبع، دومه الجندل، وادی القری، قبا، عقیق و روستاهای دیگر که از آن میان قبا و عقیق و بخش مرکزی یثرب از همه مهم‌تر هستند (عطایی همدانی؛ حمزه نژاد و نقره کار، ۱۳۹۰: ۶). یثرب دارای قریه‌ها و بازارهایی بود و قبایلی از یهود، بنی اسرائیل و غیره، مانند قریظه، نضیر، بنو قینقاع، بنو ماسله، زعوراء و دیگران در آنجا سکونت داشتند، آنها دژهایی ساخته بودند که هرگاه خطری تهدیدشان می‌کرد به آن دژها پناه می‌بردند. خانواده‌های اوس و خزرج نیز در آن شهر فرود آمدند و برای خود خانه‌ها و دژهایی ساختند؛ ولی برتری و فرمانروایی با یهود بود تا هنگامی که فطیون

روی کار آمد و میان او و مالک بن عجلان واقعه‌ای روی داد. پس از آن واقعه، پیروزی نصیب اوس و خزرج شد و آنان هم‌چنان با پیروزی و یگانگی می‌زیستند تا جنگ سمیر پیش آمد (همان: ۲۲۵-۲۲۶).

در یثرب اشتغال ساکنان به سه شیوه کشاورزی، تجارت و محصولات دست ساز بود. در منطقه حجاز بیشتر کالاهای مصنوع، به‌ویژه ابزار جنگی و کشاورزی، به دست یهودیان در یثرب ساخته می‌شد، اما این محصولات در مکه و طائف چندان استفاده نمی‌شد (کاتب‌واقدی، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۲۱). بیشتر کالاهای ساخت یثرب، ابزارهای کشاورزی، ادوات نظامی و وسایل خانه بود. زره، شمشیر و نیزه از وسایلی بود که به دست صنعت‌گران یهودی که بیشتر از قبیله بنی‌قینقاع بودند، تولید می‌شد (مقریزی، ۱۴۲۰ق: ۷/ ۱۴۲). به جز اسلحه‌سازی، پیشه‌های صنعتی دیگر از قبیل آهن‌گری و زرگری نیز در دست یهودیان بود. علاوه بر آن، یهودیان در ساخت وسایل زینتی مانند سنگ‌های گران‌بها و وسایل آرایشی نیز مهارت داشتند و از طریق آن کسب درآمد می‌کردند (طبری، ۱۳۷۸ق: ۳/ ۱۷۷). با توجه به توانمندی‌های یهود در این زمینه، تولید و توزیع این گونه کالاها در انحصار آنان قرار گرفت که این مسئله وابستگی اقتصادی یثرب به یهود را به همراه داشت (تقوی، ۱۳۹۵: ۶۹).

۷. آشنایی مردم یثرب با دین اسلام به عنوان الگویی برای وحدت و پیشرفت

دین اسلام از مدینه به مرحله کمال رسید چنانکه بر همه ادیان برتری یافت (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۰۴). اسلام در همان سال‌های نخست در این شهر فراگیر شد و این امر دلایل ویژه خود را داشت، دلایلی مثل همسایگی با یهود و شنیدن اخباری مبنی بر ظهور پیامبری از سوی خدا، درگیری میان اوس و خزرج، آسانی و سادگی آیین اسلام و... (اصلانی، ۱۳۸۳: ۶۱). ازجمله چیزهایی که به گرویدن آنان به دین اسلام کمک کرد این بود که اینان مردمانی بت‌پرست بودند و یهودیانی که در شهر آنها (یثرب) سکونت داشتند پیرو کتاب و آئین آسمانی بودند و از روی کتاب‌های خویش از ظهور پیغمبر اسلام آگاهی یافته بودند؛ از این‌رو هر گاه که میان ایشان و مردم مدینه نزاعی رخ می‌داد به آنها می‌گفتند: در این زمان پیغمبری از عرب ظهور خواهد کرد و ما از او پیروی خواهیم کرد و به‌وسیله او شما را نابود می‌کنیم! این سخنانی که از یهود شنیده

بودند موجب شد که برخی از آنها به رفقای خود می‌گفتند: به خدا این همان پیغمبری است که یهود از آمدنش خبر داده و به پیروی از او ما را تهدید می‌کردند، بیایید تا ما در ایمان به او بر یهود سبقت جویم و نگذاریم آنان در این سعادت بر ما پیشی بگیرند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۷۹). خزرچیان نخستین گروهی بودند که با پیامبر (ص) در مکه آشنا شدند، آنها به حضرت محمد (ص) گفتند: «یا رسول الله، مردمان مدینه دو قبیله‌اند: یکی اوس و دیگر خزرج و ما همه از خزرجیم و میان اوس و خزرج عداوت است. اکنون ما برویم و خبر تو و دین تو ایشان را بگویم تا اختلاف از میان ایشان بر خیزد. پس آنگه دیگر سال باز آییم و ترا خبر بیاریم تا عزیزتر باشی و با ما بیایی» (بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۷۲). بدین سان اهالی مدینه دنبال پیامبر (ص) بودند تا با ارائه الگوی اسلامی به وحدت سیاسی و پیشرفت دست یابند.

در طول دو سال دو پیمان بسته شد، ابتدا در سال یازدهم بعثت با گروه شش نفری از خزرج و در سال دوازدهم بعثت با گروهی دوازده نفری که ده نفر از خزرج و دو نفر از اوس بودند؛ گروه دوم به منظور تکمیل بیعت سال گذشته به سوی مکه رهسپار شدند. در عقبه اول با پیامبر ملاقات کردند و مسلمان شدند و این پیمان به بیعت نساء معروف شده است. پیامبر با این گروه دوازده نفری، مصعب بن عمیر را به مدینه فرستاد. او مردم آنجا را به خدای عزوجل دعوت می‌کرد و اسلام را به آنها یاد می‌داد، او نخستین مهاجر مدینه بود. پس از آمدن گروه دوازده نفری و مسلمان شدن آنها، اسلام در مدینه آشکار شده بود. برای بار سوم گروهی متشکل از هفتادوپنج مرد و زن در سال سیزدهم بعثت با رسول خدا در عقبه دوم دیدار کردند و از رسول خدا (ص) خواستند که همراهشان به مدینه برود و با او پیمان بستند که علیه خویش و بیگانه و سیاه و سرخ او را یاری کنند و گفتند هیچ مردمی به بدبختی امروز ما گرفتار نیستند و شاید خدا به واسطه تو ما را فراهم سازد و امر ما را اصلاح کند آنگاه کسی سرفرازتر از ما نخواهد بود (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۹۷؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۸۰ - ۲۸۱؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۷۱ - ۷۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۱).

۱. در بیعة النسا شرط حرب نبود که با پیغمبر یکجا با مردمان مکه جنگ کنند، این بیعت هم بر آن شرط بود که به خدای تعالی شرک نگیرند و دزدی نکنند و دختران را نکشند و دروغ نگویند و از فرمان پیغمبر بیرون نیایند، آن پیمان را همچون تن خود نگاه دارند (بلعمی، ۱۳۷۳: ۳/ ۷۳).

(۴۰۲). ابن خلدون نخستین مهاجر از مکه به مدینه را ابوسلمه بن عبدالاسد می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۰۲).

۸- تغییرات در مدینه بر اثر ورود مسلمانان از مکه

۸-۱- تغییرات اجتماعی بدون قشربندی

زمانی که پیامبر (ص) فرمان یافت تا به آن شهر مهاجرت کند، وی با ابوبکر به مدینه هجرت نمود و اصحاب نیز از وی پیروی کردند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۰۴). شهر مدینه در زمان پیامبر (ص) اولین شهری بود که رنگ اسلامی به خود گرفت. این شهر پیش از اسلام محل سکونت یهودیان و مشرکان بود، به این ترتیب اولین شهر اسلام با اصلاح ساختارهای غیراسلامی تشکیل شد (عطایی‌همدانی؛ حمزه‌نژاد و نقره‌کار، ۱۳۹۰: ۸). این شهر را در عصر جاهلیت یثرب می‌خواندند که در لغت از ثرب به معنای فساد و تباهی گرفته شده است (قائدان، ۱۳۹۸: ۱۱۰). شهر یثرب بعد از ورود رسول خدا (ص) به این شهر، «مدینه‌النبی» و به اختصار مدینه خوانده شد (اصطانی، ۱۳۸۳: ۵۸؛ جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۷۵). مدینه را به مناسبت اجتماع مردم در آن مدینه خواندند و یثرب به نام مدینه نامیده شده است و پیامبر آن را طیبه خواند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۱۷). جابر بن سمره گفته است که شنیدم حضرت محمد (ص) مدینه را طابه خوانده است. البراء بن عازب نیز گفته است پیامبر (ص) فرمود: «هر که مدینه را یثرب خواند، باید که استغفار کند که مدینه طابه است و سه بار این کلمه باز گفت» واعظ خرگوشی، مصداق‌های متعدد دیگری را هم برای پاک و مطهر بودن شهر مدینه آورده است (واعظ خرگوشی، ۱۳۶۱: صص ۴۲۴-۴۲۵).

تغییر نام یثرب به مدینه، نشان از کاربرد و مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن بود، شروع تغییر مدیریتی از همان بدو ورود پیامبر به شهر مدینه با تغییر نام شهر در راستای خیر و نیکی و برکت بخشیدن به شهر بود. این امر از سوی خداوند متعال نیز تأیید گشت و خداوند نیز فقط از قول منافقان مردم شهر را با نام یثرب خطاب قرار داده است که اشاره است به این که مؤمنان نام شهر را مدینه و مدینه‌الرسول نامیدند و این منافقان و کسانی که در ایمانشان خللی بود از نام یثرب بعد از نهی پیامبر استفاده می‌نمودند. این تغییر نام نشان از تغییر سطح شعور و آگاهی شهری و روی آوردن به مفهوم مدنی و حیات جمعی و اهمیت نهادن به مفاهیم شهرنشینی

است، کما اینکه نام مدینه از لحاظ لغوی با مدن، مدنیت و تمدن هم‌خانواده می‌باشد (ستاری ساربانقلی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۴).

هنگام ورود پیامبر در آن روزگار مدینه شهری نبود و فقط پناهگاهی بود و دیوارهایی داشت (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۷۵). تردیدی نیست که ورود مهاجران به مدینه سبب تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی متعددی شد که بازخورد آن هم در زمان حضرت محمد (ص) و در دوره‌های پس از وی قابل مشاهده بود. به لحاظ اجتماعی؛ افزایش جمعیت یکی از مهمترین مسائلی بود که با آمدن مهاجران اتفاق افتاد، قرار گرفتن این گروه جدید در شهر و نحوه اسکان آنها که از آن پس به مهاجر شهرت یافتند، ازجمله مسائلی بود که پیامبر با برنامه‌ریزی مناسب؛ آنها را در کنار ساکنین مدینه، اسکان داد.

اغلب کسانی که به هنگام هجرت مسلمانان به یثرب در این شهر مالک بودند، از ملاکین قدیم بودند؛ بنابراین دارای حقوق اصلی قدیمی بودند و اشاره‌ای در دست نیست که اسلام در آنجا مداخله کرده باشد. ملاکین نقش مهمی در جنگ‌ها و در اداره مدینه نداشتند، در عین حال در برابر اسلام هم مقاومت نمی‌کردند. اغلب املاک انصار در داخل مدینه بود، خارج از مدینه ملکی نداشتند. همچنین املاکشان وسیع نبود و معلوم نیست که چه مقدار از آنها به اراضی ساختمانی تبدیل شد (صالح‌احمد، ۱۳۷۵: ۳۷۰).

در آغاز ظهور اسلام دو گروه نیرومند اجتماعی در مکه وجود داشتند. عده‌ای شیوخ یا رؤسای قبیله بودند که به حکم سنت موروثی؛ فرمان‌فرمایی تیره و خاندان‌ها را به عهده داشتند و گروهی از ثروتمندان بودند که از راه تجارت و رباخواری امرار معاش می‌کردند. دعوت اسلام موقعیت اجتماعی این دو گروه را به شدت تهدید می‌کرد (اسفندیاری، ۱۳۷۴: ۵۴).^۱ در نظام

۱. خداوند در آیات ۲۷۸ تا ۲۸۰ سوره بقره در خصوص ربا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۲۷۸)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید (۲۷۸).

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (۲۷۹)

اجتماعی - اقتصادی جدید که در مدینه ایجاد شد؛ ربا تحریم شد، اِزاری که به وابسته کردن افراد ضعیف به قوی، در تمامی جوامع عربی و به خصوص در مکه تبدیل شده بود، آن‌چنان‌که ثروتمند هر کاری که می‌خواست انجام می‌داد. شراب و قمار هم تحریم گردید. همین‌طور تمامی نظام خرید و فروش و قضاوت و میراث که سبب برانگیختن روح طغیان و تجاوز می‌شد، ملغی گردید و به جای آن نظم تازه‌ای که جانبدار عدالت و مساوات در حدود شرعی آن بود، برپا شد (سباعی، ۱۳۸۵: ۱۰۶ - ۱۰۷).

۹- ساخت مسجد با حضور مسلمانان

پس از اسکان پیامبر (ص) در خانه کلثوم بن هدم، به دستور ایشان، بنو عمرو بن عوف بت‌ها را شکستند و آتش زدند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۷۵). اقامت بعدی پیامبر در نزد قبیله بنی عمرو بن عوف بود، از نظر آنها پیامبر هیجده شب میان ایشان توقف داشت. پس از آن، پیامبر (ص) حرکت کرد و مردم گرد او جمع شدند؛ در وقت نماز به محله بنی‌سالم رسید و آن حضرت به اتفاق همراهان نماز جمعه برگزار کرد و این نخستین نماز جمعه‌ای بود که در محله قبا در مدینه برگزار شد. حضرت محمد (ص) در جایی که نماز خواند، مسجدی به نام قبا ساخت (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲ / ۱۶۶ و ۱۷۳؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۷۶). پس از شکستن بت‌های مدینه، ساخت مسجد دومین اقدام پیامبر در آن شهر بود. این مسجد به قول بیهقی، بنیادش بر تقوی و پرهیزگاری بود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲ / ۱۶۶).

واگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید (۲۷۹).
 «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۲۸۰)
 و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید؛ و بخشیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است (۲۸۰).

هر قبیله‌ای یک زبان می‌گفتند: «نزد ما اقامت کن!» و او می‌گفت: «راه را باز بگذارید چرا که این شتر مأمور است». گویند چون بر در خانه ابو ایوب انصاری رسید زانو زد و جلو گردنش را بر زمین نهاد؛ بنابراین پیامبر (ص) نزد ابو ایوب انصاری آمد و هفت ماه در آنجا اقامت کرد. در طول این مدت، خانه‌ها و مسجدالنبی را در مدینه بنا کردند و آن حضرت از نزد ابو ایوب انصاری به خانه خود نقل مکان کرد (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۷۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۴۰؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۰۴). پس از ورود پیامبر (ص) به مدینه آن حضرت اقدام به تأسیس مسجدالنبی کرد، این مسجد از زمان تأسیس نقش مهمی در ساختار جدید شهر مدینه ایفا کرد.

با شناخت وضع اولیه مدینه می‌توان عوامل و ساختارهایی از شهر را معین نمود که در تمام شهرها از جمله شهرهای اسلامی می‌توانند وجود داشته باشد. از مهم‌ترین عناصر شهرهای اسلامی، بنای مسجد است. دسترسی‌های شهری به مسجد و سیمای آن از جمله عواملی است که هویت شهر اسلامی را تشکیل می‌دهد و کالبد و عملکردهای آن به گونه‌ای که در روایات و اسناد تاریخی آمده است مبنایی برای مکان‌یابی مسجد و معماری آن را شکل می‌دهد؛ بنابراین از آن به عنوان احکام ثابت اسلام در مورد مکان مساجد در شهر یاد می‌شود. روایات و احادیث مرتبط با مسجد مهم‌ترین معیارهای ثابت و غیرقابل تغییر هستند (عطایی‌همدانی؛ حمزه‌نژاد و نقره‌کار، ۱۳۹۰: ۸). شیب عمومی شهر مدینه کم بود و در مکان‌یابی مسجد موقعیت جغرافیایی خاص از جمله کوه، ارتفاع و عواملی از این دست مورد نظر نبود، به‌طوری‌که تقریباً در قسمت‌های کم ارتفاع‌تر شهر قرار گرفته است (همان: ۴).

مسجد مدینه از نظر اهمیت در مرتبه دوم بعد از مسجدالحرام قرار دارد (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۷۰۵). در مدینه، به فرمان خداوند، در ابتدا قبله به سمت بیت‌المقدس بود، پیامبر (ص) نیز به آن عمل می‌کرد (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲/ ۱۶۶؛ مستوفی‌قزوینی، ۱۳۶۴: ۱۳۹). سپس خانه کعبه قبله قرار گرفت و به آن سمت نماز خوانده شد. جهت ابتدایی قبله مورد توجه یهودیان قرار گرفت، به‌طوری‌که با خود می‌گفتند که محمد (ص) همان پیامبری است که در کتاب‌های تورات و انجیل نامش نوشته شده است (ابن هشام، ج ۱، ۱۳۶۴: ۳۶۵-۳۶۴؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۲/ ۱۶۶). در مدینه به روزگار پیامبر (ص) نه مسجد بود که در آنها نماز می‌گزارند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۰۷). نخستین مسجد مدینه که در آن قرآن خوانده شد، مسجد بنی‌زریق بود (کاتب‌واقدی، ۱۳۷۴).

۲۰۴/۱). عمار بن یاسر نخستین کسی بود که در خانه خود مسجد ساخت و در آن نماز خواند (همان، ۳/ ۲۱۴).

مسجدی که به صورتی بسیار ساده ساخته شد، چون نگین انگشتری، در میان شهر قرارداداشت و به‌ویژه خانه رسول خدا (ص) در کنار آن و نیز ساخت خانه‌های صحابه پیرامون آن، شکل و ماهیت شهر یثرب که اکنون نام مدینه را داشت، دگرگون ساخت. این مکان غیر از عبادت، نقشی دوگانه داشت، چون در زمان حضرت محمد (ص) فقط مکان عبادی محسوب نمی‌شد بلکه نمادی از حکومت اسلامی و جامعه اسلامی بود که در رأس همه ویژگی‌های منحصر به فرد آن نشانی از اتحاد میان مسلمانان بود. مسجدالنبی با کارکردهای متنوعی چون محل شورا، قضاوت، تقسیم بیت‌المال، مداوا کردن مجروحان جنگ، ملاقات با گروه‌ها و وفود، عقد پیمان‌های سیاسی و اقتصادی و به عبارتی دارالحکومه مسلمانان بود. به گفته هیلن برند: «مساجد بعدها به لحاظ نظری وفاداری به این هر دو جنبه را حفظ کردند و فقدان نهادهای رسمی در دنیای اسلامی، با فقدان متقابل بناهای رسمی عمومی نظیر تالار شهر و یا محاکم، به نقش دوگانه مسجد اهمیت بیشتری بخشید، بدین ترتیب طی فراگردی طبیعی به مرکز جامعه اعتقادی جدید تبدیل می‌شد» (برند، ۱۳۸۳: ۴۱).

پس از ورود رسول خدا (ص) به یثرب و برپایی یک کانون دینی و عبادی یعنی مسجد، آن حضرت برای برخی از مهاجران به تقسیم و توزیع زمین در کنار مسجد پرداخت و با دست مبارک خود برای آنان خطی کشیده و حدود خانه‌هایشان را تعیین کردند تا حلقه‌وار آن را چون نگینی در بر گیرند (سمهودی، ۱۳۷۴ق: ۲/ ۵۲۸).

۱۰- مدینه بدون قشربندی اجتماعی پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی

جامعه مدینه تا قبل از زمان ورود حضرت محمد (ص)، بیشتر جامعه‌ای قبیله‌ای محسوب می‌شد که وابسته به آداب و سنن قبیله‌ای بود. اما پس از ورود پیامبر و مهاجران به مدینه، دسته جدیدی وارد این شهر شدند. در جامعه مدینه تا قبل از ورود پیامبر (ص)، اتحاد و وحدتی وجود نداشت، برای همین هم اختلاف و اغتشاش در این شهر میان دو قبیله اوس و خزرج بی‌داد می‌کرد. دین اسلام عاملی برای اتحاد و یگانگی میان قبایل آن شهر شد، به‌طوری که

مهاجران را در میان خود جای دادند. پس از آن با اقدامات پیامبر (ص)، اتحاد و همبستگی برقرار شد، حاصل این یکپارچگی در مدینه، قشربندی جدید کلیه ساکنان مدینه شد.

وقتی اوس و خزرج در مدینه فرود آمدند، یهودیان بر آن شهر تسلط داشتند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶/ ۲۲۷). یهودیان نیز اقوام مهاجری بودند که به یثرب قبل از اوس و خزرج آمده بودند. به گزارش منابع، سرازیر شدن یهودیان به یثرب از زمان موسی بن عمران بود (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۳۹). پس از نابودی سران یهود، اوس و خزرج گرمی‌ترین مردم مدینه به‌شمار آمدند و در بهره‌برداری از نخلستان‌ها و خانه‌ها با یهودیان شریک و سهم شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۶/ ۲۳۰)؛ اما هنگامی که دین اسلام در یثرب رخنه کرد، در جامعه مدینه و طبقه‌بندی آن تغییرات عمده‌ای رخ داد.

از نقطه نظر دینی، بیشتر قبایل ساکن یثرب بت‌پرست و به اصطلاح قرآن مشرک بودند به‌همین دلیل پیوند آنان با مکه و مشرکان آن سرزمین، بسیار نیرومند بود و تمامی آداب بت‌پرستی قریش و مراسم آنها را رعایت می‌کردند و پیوند فرهنگی گسترده‌ای نیز با مکه داشتند (اصطانی، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۰). هنگامی که پیامبر دین اسلام را بر مردم عرضه کرد و آنان را به خداوند فرا خواند کسانی که به او گرویدند، ایمان آوردند. هر که او را نپذیرفت کافر دانسته شد و بر اساس آن، مردم به دو دسته مؤمن و کافر تقسیم شدند. سپس در زمانی که آن حضرت به مدینه مهاجرت کرد، دسته‌ای به او حسادت کردند و نفاق کردند، آنها تظاهر به اسلام و مسلمانی می‌کردند؛ اما در حقیقت کافر بودند و به این ترتیب مردم سه دسته؛ کافر، مؤمن و منافق شدند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/ ۸۱۴). مشرکان گروه کوچکی از اعراب اوس و خزرج بودند که همچنان بر شرک باقی مانده بودند و به پیامبر (ص) و دعوت او ایمان نیاورده بودند. اما این گروه به دلیل تعصب قبیله‌ای و حفظ آداب و رسوم جاهلیت، در روابط عمومی خود تسلیم افکار و احساسات اسلامی شدند و با خویشاوندان خود که بیشتر آنان مسلمان شده بودند، زیر پرچم اسلام زندگی می‌کردند (ابن هشام، بی تا: ۱/ ۵۰۰). منافقان کسانی بودند که در ظاهر به اسلام ایمان آورده بودند، ولی در واقع با اسلام در جنگ بودند. آنها با مسلمانان نماز می‌گزاردند و روزه می‌گرفتند، ولی در واقع سر سخت‌ترین دشمنان اسلام و مسلمانان بودند. در میان مسلمانان نفوذ کرده بودند تا به اسرار و اهداف آنان آگاه شوند و آن را در اختیار دشمنان اسلام، از جمله مشرکان قریش و دیگران قرار دهند.

با دقت و بررسی می‌توان گفت که اسلام در طی چند مرحله وارد مدینه شده است. «اسعد بن زراره و ذکوان بن عبدالقیس» نخستین افراد از مدینه بودند که مسلمان شدند و بعد شش یا هفت نفر دیگر اسلام را پذیرفتند و پس از آنها در «بیعت عقبه اولی» و «عقبه دوم» افراد دیگری اسلام آوردند (اصلانی، ۱۳۸۳: ۶۱). واقدی معتقد است که رافع بن مالک زرقی و معاذ بن عفره برای انجام عمره به مکه آمدند و موضوع دعوت رسول خدا به آنها گفته شد و آن دو پیش پیامبر آمدند و آن حضرت اسلام را بر آنها عرضه کرد و آن دو نفر نخستین کسانی از انصار بودند که مسلمان شده و به مدینه بازگشتند (کاتب‌واقدی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۰۴).

با مهاجرت پیامبر به این شهر، خاندان قیله پیامبر را پناه دادند و به یاری او و دین خدا برخاستند و به‌همین سبب آنان را انصار نامیدند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۴۰ و ۲ / ۷۰۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۶ / ۲۲۵). انصار مدینه همان دو قبیله اوس و خزرج بودند که در صفحات پیشین شرح داده شدند، هر یک از آنها نیز به تیره‌ها و شعبه‌های مختلفی تقسیم می‌شدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۲ / ۶۳). گروهی هم که با پیامبر از مکه به مدینه آمدند را از آن پس مهاجر نامیدند.

یکی از کارکردهای مسجد در ابتدای تأسیس در مدینه، پناه دادن به حدود هفتاد تن از بی‌خانمان‌ها و فقرایی بود که پس از هجرت به مدینه جایی برای سکونت نداشتند. به‌دستور پیامبر (ص) برای سکونت آنان در سمت شمالی مسجد یعنی در قسمتی از حیاط، سایه‌بان یا «صفه» قرار داده شد. این عده در تاریخ به «اصحاب صفه» معروف شدند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق: ۶ / ۵۹۵). حضور بی‌سرپناهان مدینه یعنی اصحاب صفه در مسجد و رسیدگی پیامبر به آنان و اشارات قرآن کریم (ر.ک. سوره بقره: آیه ۲۷۳)، مطابق روایات ائمه اطهار علیه‌السلام زمینه‌ای شد تا همواره مسجد مأمن و سرپناهی برای آوارگان، بی‌سرپناهان و نیازمندان و فقرا شود (جان‌احمدی و درزی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). ابن‌تیمیه می‌گوید: «اهل صفه از فقرای مهاجرین بودند، مسکن و مأوا نداشتند و هرکس از آنان که غنی می‌شد آنجا را ترک می‌کرد. گاهی بیست نفر بودند، گاهی بیست و سه نفر و این‌گونه کم و بیش شدند و هیچ ویژگی غیر از این نداشتند» (ابن‌تیمیه، بی‌تا: ۱ / ۲۸). بنابراین اهل صفه طبقه جدیدی در شهر مدینه بودند که به‌طور موقت در مسجد ساکن می‌شدند و این نام را داشتند؛ آنها پس از بهبود وضعیت مالی، آن مکان را ترک می‌کردند.

قبایل ساکن در مدینه در کنار هم جامعه نیمه مستقلی را به وجود آورده بودند. به واسطه وجود نخلستان‌های اطراف هر وادی، نیازی به کشیدن دیوار بین شهر نداشت و در هنگام احساس خطر مردم به قلعه‌ها پناه می‌بردند. همچنین به خاطر بالا بردن امنیت، بازارها از قسمت مسکونی هر محله جدا بوده و در اطراف محلات قرار داشتند (لمعی، ۱۳۷۲: ۱۶). در برخی از منابع تنها از بخش مرکزی حدود یادشده شهر به‌عنوان مدینه یاد می‌شود (عطایی‌همدانی؛ حمزه‌نژاد و نقره‌کار، ۱۳۹۰: ۶).

با ظهور پیامبر رهبری الهی جایگزین شیخ قبیله‌ای، توحید جایگزین شرک، مسئولیت‌پذیری جایگزین مسئولیت‌گریزی و مدیریت الهی جایگزین مدیریت شرک‌آلود گردید. از بارزترین موضوعاتی که حضرت رسول اکرم (ص) در شکوفایی شهر اسلامی بدان عمل کرد. اجرای شیوه اداره شهر با حضور و مشارکت شهروندان به جای روش شیخ قبیله‌ای بود؛ تغییر نام یثرب به مدینه، تغییری آشکار از مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی در شهر مدینه پیامبر محسوب می‌شود. از آن پس است که به جای شنیدن نام قبایل، نام‌هایی از قبیل اهل مدینه، اهل قبا، اهل طائف مشاهده می‌شود و چنین نام‌هایی بیان‌گر تحولات فرهنگی و روی آوردن به شهرنشینی است (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۵).

از نظر اقتصادی محیط یثرب نسبت به مکه متفاوت بود اگرچه در اینجا نیز تجارت وجود داشت؛ اما نه همانند تجارت مکیان که قافله‌های تجاری تابستانی و زمستانی داشته باشند. اقتصاد مدینه بر پایه کشت و زرع و نخلستان‌هایی بود که در نواحی مختلف مدینه وجود داشت. مردم یثرب به کعبه احترام می‌گذاشتند و همه ساله برای طواف آن و عبادت بت‌ها به مکه می‌رفتند. به‌علاوه، بازارهای مکه نیز انگیزه‌ای بود تا آنان به مکه بروند و روابطی با قریش داشته باشند. اسلام در مدینه و میان انصار به سرعت و با شتاب هرچه بیشتر، گسترش یافت، برخلاف اهل مکه، باینکه قوم و خویش پیامبر (ص) بودند و رسول خدا سیزده سال در میانشان تبلیغ کرد و آنان را به اسلام فراخواند؛ ولی با این همه عده‌ای اندک به آن حضرت گرویدند. به‌هرحال، اهل مدینه با اشتیاق و شتاب، به اسلام روی آوردند و آن را با جان و دل پذیرفتند و پناهگاهی برای پیامبر و مهاجران مکه، شدند و تمام تعهدات و پیمان‌هایی که با مشرکان داشتند را به نفع اسلام، لغو نمودند (اصلائی، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱). این مسئله حکایت از وفاداری اهل مدینه نسبت به پیامبر دارد.

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا (ص) سیزده سال در مکه اقامت داشت (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲ / ۱۷۳). پیامبر (ص) در این مدت در مکه نتوانست روحیه افزون‌طلبی آنان را مهار کند؛ لذا به مدینه هجرت کرد. در مدینه نیز بافت اجتماعی خاصی حاکم بود. یهودیان در سایه زیرکی و کاردانی کلیه اقتصاد شهر را در دست داشتند و تیره‌های گوناگونی نظیر اوس و خزرج زندگی می‌کردند که دائم مشغول زدوخورد بودند و به زندگی متوسط ساده‌ای دلخوش بودند (اسفندیاری، ۱۳۷۴: ۵۲). از طرفی جهت استحکام بیشتر اتحاد و همبستگی با یهودیان و دو قبیله اوس و خزرج پیمان‌نامه مهمی نوشته شد که به‌عنوان یک پیروزی مهم برای حکومت نوپید اسلام تلقی گردید. در قسمتی از این پیمان نامه آمده بود: مؤمنان پرهیزگار بر ضد هر فردی از آنان که سرکشی کند یا در صدد بیداد و ستم باشد، باید متحد شوند اگرچه مجرم فرزند یکی از آنان باشد، مسلمانان دوستان و پشتیبان یکدیگرند، داخل یثرب برای امضاءکنندگان این پیمان منطقه حرم اعلام می‌گردد و این قرارداد از ظالم و مجرم حمایت نمی‌کند. اگرچه یهودان «بنی قریظه»، «بنی نضیر» و «بنی قینقاع» در این قرارداد شرکت نکردند؛ اما، بعدها به‌طور جداگانه با پیامبر (ص) پیمان‌هایی منعقد نمودند. بدین‌وسیله محیط مدینه با توابع نزدیک آن، محیط امن اعلام شد و مسلمانان با فراغ‌بال بیشتری در صدد گسترش مبانی اسلام برآمدند (همان: ۵۳).

۱۰-۱- پیمان برادری الگویی برای وحدت

در نخستین سال ورود حضرت رسول اکرم(ص) به مدینه یکی از مهمترین ابتکارات مدیریت شهری و پیوند لایه‌های مختلف اجتماعی و طبقات مختلف در شهر مدینه افزون‌بر پیوندهای وحدت‌بخش دینی پیوند عقد اخوت و برادری بین کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد می‌باشد (آیتی، ۱۳۶۶: ۲۳۵). ازجمله کارهایی که رسول خدا (ص) در همان اوایل ورود به‌شهر مدینه انجام داد و برای مهاجرین کار بسیار سودمندی بود، پیمان برادری بود که میان برخی از مهاجرین و انصار بست. مهاجرین و انصار پرورش یافته دو محیط مختلف بودند. به‌همین جهت در مرحله اول، پیامبر بین مهاجرین و انصار عقد برادری جاری کرد و فرمودند که دوتا دوتا با یکدیگر برادر دینی شوند (اسفندیاری، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۳).

این پیمان به معنی برادری و داشتن حق مساوی نسبت به یکدیگر و اینکه بعد از مرگ همچون خویشاوندان از یکدیگر ارث ببرند، بود (البته بعدها ارث بردن از هم ممنوع شد). این پیمان

برادری میان عده‌ای از مهاجران و انصار بسته شد، برخی گفته‌اند که تعداد نود نفر بودند که شامل چهل و پنج تن از مهاجران و چهل و پنج تن از انصار می‌شد، برخی نیز گفته‌اند که صد نفر بودند، از هر گروه پنجاه نفر. این پیمان پیش از جنگ بدر بود (کاتب‌واقدی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۲۴). این پیمان برادری بر مبنای نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر مبنای محوریت حق و همکاری اجتماعی شهری شکل گرفت (ستاری ساریانقلی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). خداوند متعال در قرآن در خصوص پیمان اخوت می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (سوره حجرات: آیه ۱۰).

رسول خدا در مجلسی عمومی فرمودند: «تأخو فی الله اخوین اخوین» (آیتی، ۱۳۶۶: ۲۳۵). یعنی برادری گیرید با هر یکی، یعنی هر یکی با دیگری. پس خود دست در دست حضرت علی(ع) قرار داد و گفت: این برادر من هست (همدانی قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۸۵). حمزه بن عبدالمطلب عموی رسول خدا (ص) نیز با زید بن حارثه غلام آزاد شده آن حضرت برادر شدند، و به همین واسطه در جنگ احد هنگامی که حمزه به میدان جنگ رفت به زید بن حارثه گفت: «اگر در این جنگ مرگ من فرا رسید تو باید به وصایای من عمل کنی و سپس وصایای خویش را به او کرد» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/ ۳۳۷-۳۳۸). به این ترتیب حضرت محمد (ص) میان مهاجران و انصار پیمان برابری و برادری بست. امتیاز مخصوص ایجاد برادری مذهبی بین علی (ع) و محمد (ص) را باید در این مجموعه از رویدادها مورد توجه ویژه قرار گیرد. پیامبر، علی (ع) را به عنوان برادر ایمانی خود (اخوت) هم قبل از هجرت و هم در مدینه پذیرفت این واقعه آن‌چنان اصل شناخته شده تاریخی است که هیچ‌یک از مورخین آن را انکار نکرده‌اند (جعفری، ۱۳۸۰: ۳۳). عمّار در زمره مهاجرین به مدینه هجرت کرد و در جریان پیمان برادری بین مهاجرین و انصار، پیامبر (ص) بین عمّار و حذیفه بن یمان، پیمان برادری برقرار نمود (کاتب‌واقدی، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۱۴؛ فخری، ۱۳۸۸: ۷۸).

نتیجه گیری

وجود اختلاف در میان دو قبیله اوس و خزرج و آمدن تعدادی از افراد قبیله خزرج به سفر حج منجر به آشنایی آنها با حضرت محمد (ص) و دین اسلام گردید و زمینه ساز ورود پیامبر به آن شهر شد. شهر مدینه اگرچه قبل از پیامبر وجود داشت، اما با حضور پیامبر و رونقی که به آن داد این شهر زندگی دوباره یافت و احیاء شد. مردم یثرب وقتی با دین اسلام آشنا شدند و فرامین پیامبری را شنیدند، وی را منجی برای حل اختلاف و فاصله طبقاتی میان خود دانستند؛ زیرا آنان از شرایط یثرب و درد و رنج ناشی از اختلافات قبیله‌ای به جان آمده بودند؛ بنابراین پیامبر مصادیق و نمادهای گسترش و نهادینه‌سازی اسلام در جامعه مدینه را سرلوحه خود قرار داد. ورود پیامبر به شهر مدینه سبب تشکیل حکومت اسلامی در آن شهر گردید، رونق دین اسلام و تبلیغات گسترده این دین از شهر مدینه آغاز شد. با حضور پیامبر (ص)، اقدامات بزرگی در شهر صورت گرفت که به رونق آن شهر انجامید. در مدینه رهبری الهی جایگزین شیخ قبیله‌ای شد، مدنیت و شهرنشینی به معنی واقعی جایگزین زندگی قبیله‌ای گردید. تغییر نام شهر یثرب به مدینه یا مدینه النبی، خود نشان از تحول عمده‌ای بود که در جامعه جدید شهر مدینه رخ داد. تا قبل از پیامبر در شهر مدینه ادیانی نظیر یهودی و بت‌پرستی رواج داشت، اما با ورود پیامبر خداپرستی و دین اسلام جایگزین بت‌پرستی شد. پیامبر(ص) با ساخت مسجد که با همکاری و مشارکت مسلمانان اعم از مهاجر و انصار صورت گرفت، بدون توجه به اصل و نسب و طبقه خانوادگی افراد از همه اقشار یاری خواست، تا همه بدانند و بیاموزند که فرقی میان مسلمان در نظر پیامبر(ص) وجود ندارد و همانا این خواسته خداوند است. ساخت مسجد از امور مهم فرهنگی و مذهبی در تاریخ اسلام محسوب می‌شود، در زمان حضرت محمد(ص) مسجد النبی تبدیل به مکانی عبادی- سیاسی گردید و امور حکومتی در آنجا صورت می‌گرفت، نماز جماعت هم به عنوان نمادی از اتحاد مسلمانان، در این شهر با آرامش از سوی مسلمانان برگزار می‌شد. با مدیریت و تلاش‌های حضرت محمد(ص) مدینه به مرکزی عبادی- سیاسی تبدیل گردید که افزون بر آن کارکردهای دیگری نظیر محلی برای مشورت و تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مهمی مانند جنگ، تقسیم غنائم و غیره تعیین شد. اقدام دیگر و با اهمیت آن حضرت، ایجاد پیمان برادری در راستای حل اختلافات طبقاتی و از میان بردن نزاع ناشی از آن و برابری و

مساوات در همهٔ امور میان مسلمانان بود. این موارد نتیجه‌ای جز هم‌داستانی و همراهی با دین مبین اسلام نداشت. فعالیت و کارهای انجام شده در صدر اسلام در مدینه‌النبی به خواست و فرمایش پیامبر(ص) در مسیر رسیدن به یک جامعهٔ اسلامی ناب که هدف پیامبر(ص) و رسالت دین ایشان بود، با کوشش و همکاری مسلمانان که با جان و دل به خواسته‌های آن حضرت عمل می‌کردند، فراهم گردید. آن زمان برای حرکت به سوی الگوی توسعهٔ اسلامی، برای شاخص شدن و مورد استفاده قرار گرفتن برای حکومت‌ها و نسل‌های بعد، تلاش‌های بسیاری شد. ایجاد احساس آرامش و هم‌دلی و اطمینان در میان مسلمانان و به‌ویژه مظلومان، از دستاوردهای مهم و مورد توجه حضرت محمد(ص) بود. با توجه به وجود اختلافات و مسائل ناگواری که میان قبایل و طوایف در یثرب وجود داشت، از جمله اطاعت بی‌چون و چرای افراد از بزرگان قبایل خود و بدون توجه به عواقب آن که یثرب را در شرایط بحرانی و دشمنی‌های قبیله‌ای قرار داده بود. پس از حضور پیامبر(ص) در یثرب، ایشان ضمن آگاهی از اوضاع یثرب به اقدامی هوشمندانه و زیرکانه در زمینهٔ اتحاد میان مسلمانان پرداخت که نتیجهٔ آن دور شدن از روش ضد استبدادی در حکومت دینی و تکیه بر آرا و نظرات مردم و پرهیز از خود کامگی در ابعاد و جوانب گوناگون است و این حقیقتی است که از بدو تأسیس دولت اسلامی در مدینه با سیرهٔ آن حضرت برقرار و با عمل و نظر معصومین(ع) استمرار و ادامه یافت و الگویی مناسب و مورد تحسین برای توسعه اسلامی گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن كريم.

- آيتى، محمد ابراهيم (۱۳۶۶). تاريخ پيامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران، چ ۴.
- ابن اثير، عزالدین علی (۱۳۷۱). کامل تاريخ بزرگ اسلام و ايران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خليلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، چ ۶.
- ابن تیمیه (بی تا). الرسائل و الوسائل، تعليق محمد رشيد رضا، لجنة التراث العربی، چ ۱.
- ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۸ق). فتح الباری بشرح صحيح البخاری، التزام عبدالرحمان محمد، بيروت: دار احیاء.
- ابن خلدون (۱۳۶۳). العبر تاريخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آيتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ ۱ و ۲.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ و ۱۳۶۴). زندگانی محمد(ص) پيامبر اسلام، ترجمه سيد هاشم رسولی، تهران: کتابچی، چ ۵، ج ۱ و ۲.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السيره النبویه، تحقيق مصطفى سقا، ابراهيم الأبياری و عبدالحفيظ شلبی، بيروت: دارالمعرفه، چ ۱.
- ادريسی، محمد بن محمد بن عبدالله (۱۴۰۹ق). نهضة المشتاق فی اختراق الآفاق، بيروت: عالم الكتب.
- اسفندیاری، اسکندر (۱۳۷۴). پژوهشی درباره طوایف غلاة تا پایان غیبت صغرا و موضع ائمه (ع) در این باب، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.
- اصلانی، مختار (۱۳۸۳). پیدایش تشیع و جغرافیای آن در قرن اول هجری قمری، قم: نسیم حیات.
- الخیاط، جعفر (۱۳۹۰). المدينه المنوره فی المراجع الغربیه، در موسوعه العتبات المقدسه قسم المدينه المنوره، بيروت: مطابع دارالکتب.
- برند، روبرت هیلن (۱۳۸۳). معماری اسلامی. شکل، کارکرد، معنی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.
- بلعم (۱۳۷۳). تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران: البرز، چ ۳، ج ۳.
- بلعمی (۱۳۷۸). تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران: سروش، چ ۲، ج ۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین (۱۳۸۱).
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۳ شهریور.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه های راهبردی (۱۳۸۹). پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی، انقلاب اسلامی ۱۰ آذر.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱). دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲.

پیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان. تقوی، هدیه (۱۳۹۵). تفاوت قشربندی اجتماعی در مناطق شمالی و جنوبی جزیره العرب و منطقه حجاز در آستانه ظهور اسلام، تاریخ اسلام، ۱۷ (۶۸)، ۵۳-۸۴.

احمدی، فاطمه؛ درزی، علی (۱۳۹۰). سازوکارهای اجتماعی پیامبر (ص) در ایجاد تحول فرهنگی مدینه، سخن تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۱۲۷-۱۵۲.

جعفری، حسین محمد (۱۳۸۰). تشیع در مسیر تاریخ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۱). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: مشعر.

جعفریان، رسول (۱۳۸۶). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: مشعر، ج ۸.

ربانی، رسول؛ گنجی، محمد (۱۳۸۴). تحلیلی بر قشربندی اجتماعی در ادیان، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۵ (۱۱-۱۲)، ۹۲-۱۱۴.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: کیهان.

سباعی، احمد (۱۳۸۵). تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ ق)، ترجمه رسول جعفریان، تهران: مشعر.

ستاری ساربانقلی، حسن؛ ذبیحی، حسین (۱۳۸۸). نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهرمدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی، فراسوی مدیریت، ۳ (۱۰)، ۱۴۶-۱۰۵.

سعیدی، خلیل (۱۳۸۶). نظریه ها و قانونمندی های توسعه؛ تهران: شرکت تعاونی کار آفرین. سمهودی، ابوالحسن علی (۱۳۷۴ ق). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، حقه محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره: مطبعة السعادة.

صالح احمد، علی (۱۳۷۵). حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مشعر. صالح مصطفی لمعی (۱۳۷۲). مدینه منوره، تحولات عمرانی و میراث معماری، ترجمه صدیقه وسمقی، تهران: ارشاد اسلامی.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ج ۵، ۱، ۲ و ۴.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث، ج ۳.
- عبدالستار عثمان، محمد (۱۳۷۶). مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.
- عطایی همدانی، محمدرضا؛ حمزه نژاد، مهدی؛ نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۰). بررسی و الگوشناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه (مقدمه‌ای برای دستیابی به اصول مکان‌یابی مسجد در شهر اسلامی)، باغ‌نظر، ۸(۱۶)، ۳-۱۶.
- فخری، محمد (۱۳۸۸). تاریخ تشیع از صدر اسلام تا پایان دوره خلفای راشدین، مشهد مقدس: ایلینا فخر.
- قائدان، اصغر (۱۳۹۸). مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ساختار شهری مدینه در عصر پیامبر (ص)، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۲(۱)، ۱۰۷-۱۲۵.
- کاتب‌واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴). طبقات (طبقات الکبری)، ترجمه محمود مهدوی‌دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه، ج ۱.
- کاتب‌واقدی، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، به‌اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ج ۳.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد (۱۴۱۱ق). احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، قاهره: مکتبه مدبولی، الطبعة الثالثة، ج ۱.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۳۶۱). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۱.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، ج ۱، ج ۲.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق). امتاع الاسماع، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۷.
- واعظ خرگوشی، ابوسعید (۱۳۶۱). شرف‌النبی، تحقیق محمد روشن، تهران: بابک.
- ورنر. سورین و جیمز تانکارد (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Crompton. R. (2008). Class and Stratification. Cambridge: Polity Press.